

رهیافتی به کیفیت خلقت حوادرتفاسیر

اعظم فرجامی

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس قم

چکیده:

در این پژوهش دیدگاه و یادکرد قرآن و تفاسیر درباره اولین زن و همسر آدم بررسی، دسته‌بندی و گزارش می‌شود. در قرآن سه بخش از زندگی حوا بیان می‌شود. در هر دسته از آیات در کنار نقل داستان آدم به حضور و وجود این زن اشاره شده است. از این رو با ملاک قرار دادن تفاسیر شیعه به هر دو گروه تفاسیر مهم اهل سنت و شیعه مراجعه شد تا تفاوت دیدگاه‌ها و نیز مبنا و علت رویکرد هر مفسر تبیین شود. در این فرآیند به دست آمد که غالب مفسران معاصر نگاه جدیدی فراتر از آراء سنتی و اخباری مفسران پیشین، نسبت به داستان‌های قرآن و نیز زنان در پیش گرفته‌اند و نیز برخی مفسران مطابق دیدگاه‌ها و شرایط حاکم بر عصرشان به تفسیر و تأویل آیات پرداخته‌اند، چنانکه نظراتشان گاه متأثر و برگرفته از اندیشه‌های کتاب مقدس و یهود درباره حوا و آدم بوده است.

کلیدواژه‌ها: حوا، آدم، تفاسیر، زن در قرآن و تفاسیر، داستان‌های قرآن.

نخستین زن‌ها در فرهنگ‌ها و ملل مختلف، اسامی متفاوتی دارند.^۱ حوا نامی است که در ادبیات اسلامی بر همسر آدم نهاده‌اند. به نظر می‌رسد این اسم ریشه عربی ندارد.^۲ واژه حوا اول بار در تورات ذکر شده^۳ و احتمالاً از آنجا به زبان و فرهنگ عرب راه یافته است.^۴

در قرآن از نام حوا یاد نشده و تنها با واژه «زوج» به او اشاره شده است.^۵ قرآن هنگام یادکرد همه زنانی که از آنها سخن به میان آورده است به جز مریم علیه السلام که به نام وی تصریح شده، واژه «امراة» را به کار می‌برد.^۶

قرآن به سه بخش از زندگی حوا اشاره می‌کند:

۱. آفرینش حوا

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً^۷ (نساء: ۱)

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا^۸ (اعراف: ۱۸۹)

خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا^۹ (زمر: ۶)

۲. حوا و میوه درخت ممنوع

در سوره بقره پس از بیان داستان آفرینش آدم و سجده فرشتگان، آن هنگام که فرمان دخول به بهشت داده می‌شود، اول بار از همسر آدم سخن به میان می‌آید و خداوند آن دو را از نزدیک شدن به درختی معین باز می‌دارد. اما شیطان آنان را می‌فریبد و قرآن از آن با چنین تعبیری یاد می‌کند: فَازْلَمَهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ^{۱۰} (بقره: ۳۶)

توضیح بیشتر داستان در آیات دیگر چنین می‌آید:

فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْآتِهِمَا... وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ فَدَلَاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا... وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا

أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ...» قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا...^{۱۱} (اعراف: ۲۱-۲۳)
 فَوَسَّوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلَى فَاكَلَا
 مِنْهَا فَبَدَتَ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى^{۱۲}
 (طه: ۱۲۰-۱۲۱)

۳. شرک منتسب به آدم و حوا

این بحث ذیل دو آیه از سوره اعراف مطرح می‌شود:

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا
 حَمَلَتْ حَمَلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِن آتَيْتَنَا صَالِحًا لَنُكَونَنَّ
 مِنَ الشَّاكِرِينَ فَلَمَّا آتَاهُمَا صَالِحًا جَعَلَا لَهُ شُرَكَاءَ فِيمَا آتَاهُمَا فَتَعَالَى اللَّهُ عَمَّا
 يُشْرِكُونَ^{۱۳} (اعراف: ۱۸۹-۱۹۰)

حوا در تفاسیر

۱. آفرینش

اغلب تفاسیر ذیل آیه اول سوره نساء خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا
 به این بحث پرداخته‌اند.

بیشتر مفسرین مراد از «نفس واحده» و «زوجها» را در این آیه و آیات مشابه «آدم»
 و «حوا» دانسته‌اند. برخی نیز «نفس واحده» را نه آدم بلکه اصل و منشأ حیات
 تفسیر کرده‌اند.^{۱۴} با تفسیری مشابه، برخی دیگر معتقدند دلالت این آیه از سوره نساء
 همانند آیه يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا
 إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ^{۱۵} (حجرات: ۱۳) است و هر دو در این
 معنا ظهور دارند که ابتدای نسل کنونی بشر به یک پدر و مادر می‌رسد.^{۱۶}

آنان که نفس واحده و همسرش را آدم و حوا تفسیر کردند در بحث چگونگی خلقت
 حوا اختلاف دارند. برخی با توجه به تعدادی از روایات، رأی خلقت و آفرینش حوا از

دنده آدم را پذیرفته‌اند^{۱۷} و برخی دیگر نیز قول خلقت حوا از جنس و نوع آدم و نه از بدن آدم را برگزیدند.^{۱۸} به طور کلی می‌توان گفت گروه اول حرف «مِنْ» را در عبارت «خلق منها زوجها» من نشویه در نظر گرفته‌اند؛ یعنی آفرینش حوا از آدم نشأت گرفته است. این دسته برای تأیید سخن خود از روایات استفاده می‌کنند. گروه دوم در مخالفت با این رأی «مِنْ» را بیانیه و بیانگر هم‌جنس بودن حوا با آدم تفسیر کرده‌اند.^{۱۹}

شایان ذکر است برخی مفسرین منظور از عبارات «نفس واحده» و «زوجها» را در آیه ۱۸۹ سوره اعراف، با توجه به سیاق و محتوای آیات بعدی، نه آدم و حوا بلکه مطلق ذکر و انثی و هر زن و شوهر انسانی گرفته‌اند؛ زیرا همان طور که بعد اشاره می‌شود مضمون آیات بعدی نشان از شرک قائل شدن این دو (زن و شوهر) دارد.

۲. نقش حوا در خوردن میوه ممنوع

به آیاتی که خوردن میوه ممنوع و هبوط آدم و حوا را بیان می‌کنند اشاره شد. افعال و ضمایی که بر وسوسه شدن، لغزش، خوردن [میوه] درخت ممنوع، اخراج و خطاب و عتاب خداوند دلالت دارند، همگی مثنی است و بر آدم و حوا -هر دو- بازگشت دارد، یعنی در هیچ آیه‌ای از آیات قرآن حوا به تنهایی مقصر و بانی گناه محسوب نمی‌شود. اکثر تفاسیر شیعه نیز این ماجرا را همان گونه که از ظاهر آیات قرآن برمی‌آید، بسط و توضیح می‌دهند.^{۲۰}

۳. شرک حوا و آدم

اینکه آیا به راستی آدم و حوا برای خدا همتایی قرار دادند، موضوعی است که بسیاری از مفسرین را هنگام تفسیر آیات ۱۸۹ و ۱۹۰ سوره اعراف به خود مشغول می‌کند. مفسران در برخورد با این دو آیه اختلاف نظر بسیار دارند. آنگونه که آلوسی می‌گوید : «این آیه نزد من از آیات مشکل است و دانشمندان در آن بحثی پر دامنه و نزاعی بی‌پایان دارند»^{۲۱}

در یک جمع‌بندی نوع برخورد آراء تفاسیری که برای این آیه ارائه شده می‌توان چنین دسته‌بندی کرد:

۱. نفس واحده و زوجها بر آدم و حوا دلالت دارد و تمام ضمائر و افعال هر دو آیه به این دو نسبت داده می‌شود، یعنی بارداری حوا، دعا به درگاه خداوند برای درخواست فرزند صالح و در نهایت شرک. در نوع شرک و چگونگی آن نظرات متفاوت است: ۱ - ۱. گروهی شرک را به آدم و حوا نسبت می‌دهند؛ اما نوع خفیف‌تری از شرک را برای آن دو قائل می‌شوند.

الف) شرک در طاعت بوده نه عبادت.^{۲۲} این نظر بیشتر مبتنی بر روایتی از امام باقر علیه‌السلام است.^{۲۳}

ب) شرک در تسمیه و اسم‌گذاری بوده است. این نظر نیز بر پایه روایاتی است که بیشتر در کتب اهل سنت نقل می‌شود. مضمون آنها چنین است که ابلیس با حوای باردار سخن می‌گوید و او را از این که صاحب فرزند غیر انسانی شود، می‌ترساند مگر آنکه نام ابلیس (عبدالحرث) را بر فرزندش بنهد. بدین گونه آدم و حوا در نام‌گذاری - و نه توحید - نسبت به خدا دچار شرک می‌شوند.^{۲۴}

ج) برخی تفاسیر شیعی نیز بدون دلیل و استدلال مقدماتی و ذکر منبع تفسیر خود معتقدند آدم و حوا چون هنگام تولد فرزندشان به اسباب ظاهری و وسائل خارجی توجه کردند و در آفرینش و تأمین سلامت کودکانشان غیر خدا را مؤثر پنداشتند، به شرک گراییدند.^{۲۵}

۱ - ۲. طبق نظر دیگر همه ضمائر و افعال این دو آیه به آدم و حوا بازگشت دارد؛ اما این دو مشرک نشدند و اصولاً شرکی که در آیه مطرح است، شرک به خدا نیست، بلکه بایستی ضمیر *جَعَلَا لَهُ شُرَكَاءَ* را به فرزند صالح بازگشت داد، یعنی آن دو از خداوند برای فرزند صالحشان فرزندان مشابه و همانند درخواست کردند.^{۲۶}

۲. برخی دیگر بر این اعتقادند که نفس واحده و زوجها به آدم و حوا دلالت دارد؛ اما

شرک به خدا را نمی‌توان به آن دو نسبت داد، بلکه به راستی مشرکینی دیگر مخاطب آیه هستند. چگونگی بیان این تفسیر به شکل‌های مختلف است:

۱-۲. در عبارت **فَلَمَّا آتَاهُمَا صَالِحًا** منظور نوع بشر و انسان است که به خدا مشرک شدند و به نظر می‌رسد به نوعی عبارت **جَعَلَهُ شُرَكَاءَ صَافِحًا** قرار گرفته است؛ یعنی فرزندان صالحی که به خدا شرک ورزیدند و منظور از «صالح» سلامت جسمانی و بی‌عیب و نقصی در آفرینش است، نه صالح دینی که سلامت و استواری در ایمان است؛ هر چند تعبیر دوم مشهورتر است.^{۲۷}

در ردّ اشکال تثنیه آمدن ضمائر و افعال گفته شده که ضمائر تثنیه آمدند تا هر دو جنس نر و ماده نسل آدم را شامل شوند و برای صحت ادعا معمولاً به جمع بودن عبارت آخر آیه اشاره می‌شود **آتَاهُمَا فَتَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ** یعنی در انتهای آیه همه این نسل بشر مورد توجه قرار می‌گیرند.

درباره تغییر مخاطب آیه که ابتدا به آدم و حوا (نفس واحده و همسرش) توجه می‌شود و در میانه آیه به ناگاه خطاب به سوی دیگر چرخیده و مشرکین از فرزندان آدم و حوا را مدنظر داشته است، گفته‌اند این موارد در قرآن بسیار یافت می‌شود، همانند آیه **إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا لِّتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ**^{۲۸} (فتح: ۸) که مخاطب ابتدا پیامبر است و سپس عام می‌شود. به طور کلی طبق این نظر، آیه چنین تفسیر می‌شود که از ابتدای آیه تا آن هنگام که آن دو، خدا را می‌خوانند و خداوند به آنان فرزند صالح عطا می‌کند به آدم و حوا بازگشت دارد و مراد از فرزند صالح نسل صالحی از دو جنس مرد و زن است که برای خداوند شریک قرار دادند.

در میان مفسران شیعه این نظر، اول بار توسط سید مرتضی ابراز شد. اساس نظریه سید مرتضی که سبب شد چنین تفسیری ارائه دهد بر این استوار است که آدم علیه‌السلام پیامبری از پیامبران الهی بوده است. از این دو جایز نیست که آدم مشرک شده باشد که همه کارهای پیامبران برای انسان‌ها جایز و قابل تقلید است و اگر

شرک بر آدم را بپذیریم، آن را برای همه انسان‌ها نیز روا دانسته‌ایم؛ پس واجب است که ضمیر را به غیر آدم و حوا برگردانیم.^{۳۹}

۲-۲. تفسیر مشهور دیگر به ابو مسلم محمد بن بحر اصفهانی منتسب است. طبق این بیان فقط نفس واحده و همسرش ناظر بر آدم و حواست و بقیه موارد متعلق به آن دو نیست، بلکه خطاب به مشرکین است. البته ضمیر «خَلَقَكُمْ» ابتدای آیه، خطاب به همه انسان‌ها و کاملاً عام است؛ یعنی مشرکین را هم در برمی‌گیرد که آنها هم از نسل آدم هستند.^{۳۰} در ادامه آیه ضمیر هاء در تغشاه و کنایه در دَعَا اللَّهَ رَبَّهُمَا و اَتَاهُمَا صَالِحاً به آنکه شرک ورزیده بازمی‌گردد و مختص می‌شود. این تخصیص بعد از عموم جایز است و مواردی از آن در قرآن وجود دارد. همانند آیه هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَجَرِينِ بِهِم بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا...^{۳۱} (یونس: ۲۲) که ابتدا همه مردم و سپس فقط دریانوردان منظور است.^{۳۲}

۲-۳. برخی با تقدیر «اولادهما» در جَعَلَا لَهُ شُرَكَاءَ سعی کردند تفسیری ارائه دهند که دامن آدم و حوا را از شرک مبرا کنند. یعنی عبارت چنین بوده است «جعل اولادهما له شرکاء» که مضاف حذف شد و تنها مضاف الیه در جایگاه آن باقی مانده است. همانند عبارت اَتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ (بقره: ۵۲ و ۹۵) که تقدیر آن «اتخذتم اسلافکم العجل» است.^{۳۳}

به نظر می‌رسد این تفسیر مبتنی بر روایتی از امام رضا علیه‌السلام است که حوا در هر بار زایمان، فرزندی دوقلو و از دو جنس متفاوت دختر و پسر به دنیا می‌آورد و دو جنس از این فرزندان مشرک می‌شوند.^{۳۴}

۳. در تفسیری دیگر گفته شده این دو آیه در شأن قصی از اجداد رسول خدا نازل شده است که ذریه صالحی را از خدا خواست؛ اما اسم پسرانش را از میان بتان برگزید و عبد مناف، عبدالدار و عبدالعزی نهاد. بدین ترتیب ضمیر در «خَلَقَكُمْ» قریش عصر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را مخاطب قرار می‌دهد.

این نظر بیشتر نزد مفسران اهل سنت رایج است.^{۳۵}

۴. اغلب مفسران معاصر شیعی تفسیری دیگر برای این دو آیه ارائه می‌دهند. آنان معتقدند که در این دو آیه حکایت از حادثه یا شخصیت خاصی نیست، بلکه آیه از ابتدا عام بوده و منظور همه پدر و مادرهای در حال فرزنددار شدن است؛ چون پدر و مادر معمولاً از شدت محبت از خدا منقطع می‌شوند و به عنوان مؤید به انتهای آیه دوم *فَتَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ* اشاره می‌کنند که به صورت جمع است و اگر مراد آیه آدم و حوا بود بایستی می‌فرمود «اشرکا» و نیز به شرکی که ادامه آیات مطرح می‌شود، اشاره می‌کنند که پرستش غیر خدا مذمت می‌شود و نه شرک خفی یا توجه به اسباب ظاهری و آدم علیه‌السلام که برگزیده خداست (صفی‌الله) بعید است به چنین شرکی گراییده باشد.^{۳۶}

در پایان اشاره می‌شود برخی از مفسرین اموری از قبیل ابلیس و آدم و بهشت و حوا و چگونگی خلقت و جزئیات آنها را از اموری که در قرآن کریم کاملاً معنا نشده و زمان آن مشخص نگردیده است، معرفی می‌کنند و آنها را مباحثی مربوط به جهان غیب می‌دانند که آدمی راهی برای آنکه به کنه آن برسد ندارد و معرفت در این موضوعات با سرشت و خرد محدود و بی‌افزار آدمی میسر نمی‌شود و بهتر آن است که این غیب را به خداوند غیب واگذاریم.^{۳۷}

پی‌نوشت‌ها:

۱. به طور مثال نزد یونانیان پاندورا، در آیین زرتشت مشبانه، در افسانه‌های ژاپن یامی و نزد قوم لویا در کنیا سلا خوانده می‌شود، نک: مهدی رضایی، آفرینش و مرگ در اساطیر، ص ۱۶۷ به بعد؛ عباس اشرفی، مقایسه قصص قرآن و عهدین، ص ۱۴۶.

۲. حوا را واژه عبری قلمداد کرده‌اند، محمد جواد مشکور، فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی و ایرانی، ج ۱، ص ۲۰۳؛ V۹۰، Jerusalem, keter publishing house, ۱۹۹۶، encyclopaedia judaica، p۹۷۹

۳. سفر پیدایش، ۲۰/۳؛ ۱/۴.

۴. گفته می‌شود در اشعار جاهلی سه بار نام حوا آمده است، دو بار در شعر امیه بن ابی صلت و یک بار در اشعار عدی بن زیاد مسیحی که در زمان پیامبر می‌زیسته است، نک: j. judaica encyclopaedia، ۹۸۳/۹، نک: بقره: ۳۵؛ نسا: ۱؛ اعراف: ۱۸۹ و ۱۹۷؛ طه: ۱۱۷؛ زمر: ۶.

۵. در وجه تمایز زوج و امراة گفته‌اند: تفاوت این دو واژه قرآنی به نوع ارتباط زن و شوهر برمی‌گردد. چنانچه آرامش و محبت بین زن و شوهر با خیانت و اختلاف عقیده از بین برود در لسان قرآن به این دو، زوج اطلاق نمی‌شود مثل «امراة العزیز» (یوسف: ۳۰ و ۵۱)، «امراة نوح» (تحریم: ۱۰)، «امراة لوط» (تحریم: ۱۰)، «امراة فرعون» (قصص: ۹؛ تحریم: ۱۱) و نیز اگر به واسطه نابارور بودن یا بیوه شدن فلسفه ازدواج مختل شود، تعبیر امراة و نه زوج، به کار می‌رود، همانند ابراهیم (هود: ۷۱؛ ذاریات: ۲۹)، همسر زکریا (مریم: ۵ و ۸؛ آل عمران: ۴۰) و همسر عمران (آل عمران: ۳۵)، چنانکه در مورد زکریا پس از آنکه دعای زکریا مستجاب می‌شود و مشکل عقیم بودن برطرف می‌شود، تعبیر «زوج» (انبیاء: ۹۰) درباره همسر زکریا به کار می‌رود، نک: عائشه عبدالرحمن بنت الشاطی، الاعجاز الیبانی للقرآن، ص ۲۳۰.

۷. ای مردم از پرودگارتان که شما را از «نفس واحدی» آفرید و جفتش را (نیز) از او آفرید و از آن دو، مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد، پروا دارید.

۸. اوست آن کس که شما را از نفس واحدی آفرید و جفت وی از آن پدید آورد تا بدان آرام گیرد.

۹. شما را از نفس واحدی آفرید، سپس جفتش را از آن قرار داد.

۱۰. سپس شیطان هر دو را از آن بلغزاید و از آنچه در آن بودند ایشان را به در آورد.

۱۱. سپس شیطان آن دو را وسوسه کرد تا آنچه را از عورت‌هایشان بر ایشان پوشیده مانده بود، بر آنان نمایان گردانند؛ ... و برای آن دو سوگند یاد کرد که من قطعاً از خیرخواهان شما هستم. پس آن دو را با فریب به سقوط کشانید؛ پس چون آن دو از (میوه) آن درخت (ممنوع) چشیدند، برهنگی‌هایشان بر آنان آشکار شد...

و پروردگارشان بر آن دو بانگ برزد: «مگر شما را از این درخت منع نکردم...» گفتند: «پروردگارا، ما بر خویشتن ستم کردیم...»

۱۲. پس شیطان او را وسوسه کرد، گفت: «ای آدم، آیا تو را به درخت جاودانگی و ملکی که زایل نمی‌شود، راه نمایم؟» آنگاه از آن (درخت ممنوع) خوردند و برهنگی آنان برایشان نمایان شد... و (این‌گونه) آدم به پروردگار خود عصیان ورزید.

۱۳. اوست آن کس که شما را از نفس واحدی آفرید و جفت وی را از آن پدید آورد تا بدان آرام گیرد. سپس چون (آدم) با او (حوا) درآمیخت، باردار شد، باری سبک و (چندی) با آن (بار سبک) گذرانید و چون سنگین بار شد، خدا، پرودگار خود را خواندند که اگر به ما (فرزندی) شایسته عطا کنی قطعاً از سپاسگزاران خواهیم بود. چون به آن دو (فرزندی) شایسته داد، در آنچه (خدا) به ایشان داده بود، برای او شریکانی قرار دادند و خدا از آنچه (با او) شریک می‌گردانند برتر است.

۱۴. طالقانی، پرتوی از قرآن، ج ۴، ص ۱۵ مج دوم، وی چنین استدلال می‌کند که اگر منظور از نفس واحده آدم ابوالبشر یا هر انسان معهود دیگری بود، نفس بایستی «ال» می‌گرفت، و نیز صفت و ضمابری که به آن بازگشت دارد، باید مذكر باشد تا بتوان آن را بر شخص معین دلالت داد.

۱۵. ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست. بی‌تردید، خداوند دانای آگاه است.

۱۶. علی‌اکبر قرشی، تفسیر احسن‌الحدیث، ج ۲، ص ۲۷۳ - ۲۷۲؛ هر چند علامه نمی‌پذیرد که آیه سوره نساء همانند آیه حجرات به مطلق ذکور و اناث نسل بشر اشاره داشته باشد، بلکه وی معتقد است از آیه سیزدهم حجرات چنین برداشت می‌شود که انسان‌ها از نظر حقیقت انسانی یکسان‌اند؛ اما آیه اول سوره نساء بیان می‌کند که انسان‌ها از نظر حقیقت و جنس یک واقعیت‌اند و از یک ریشه منشعب شدند: محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۱۴۴.

مصطفوی نیز نفس را اعم از جنبه مادی و روحانی می‌داند و معتقد است: «نباید آن را به جنبه مادی آدم اختصاص داد؛ زیرا عالم ارواح مقدم بر عالم اجساد است» حسن مصطفوی، تفسیر روشن، ج ۵، ص ۲۴۳ - ۲۴۲.

۱۷. محمدبن حسن شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، تصحیح احمد حبیب قصیر، ج ۱۰، ص ۱۵۸ و ج ۳، ص ۹۸؛ فضل‌بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۸۴ و ج ۲، ص ۲، هر چند طبرسی ضمن تفسیر آیه ۱۸۹ سوره اعراف، رأی آفرینش حوا از «جنس» آدم را نیز گزارش می‌کند، البیان، ج ۲، ص ۵۰۹؛ محمدبن ابراهیم ملاصدرا، تفسیر القرآن الکریم، تحقیق و مقدمه محسن بیدار فرد، تصحیح

محمد خواجوی، ج ۳، ص ۸۶؛ محمدبن مرتضی فیض کاشانی، الصافی فی تفسیر کلام‌الله، ج ۱، ص ۳۸۲، البته فیض از جنبه عرفانی نیز به مسئله آفرینش حوا از دنده آدم می‌پردازد، ج ۱، ص ۳۸۳، و نیز نک: تفاسیر روایی.

۱۸. بیشتر تفاسیر معاصر این رأی را برگزیده‌اند: محمد حسین طباطبایی، المیزان، ج ۴، ص ۱۴۳؛ عبدالحجت بلاغی، حجة التفاسیر و بلاغ الاکسیر، ج ۲، ص ۶؛ محمدجواد مغنیه، تفسیر الکاشف، ج ۱، ص ۸۴؛ محمدحسین فضل‌الله، من وحی القرآن، ج ۷، ص ۲۴.

۱۹. این نظر مخالفانی نیز دارد، محمدبن طاهر ابن عاشور، التحرير و التنویر، ج ۳، ص ۲۱۵، معتقد است حرف «من» بیانیه و به معنای «مِنْ نوعها» نیست؛ زیرا هر آفریده‌ای جفتی از جنس خود دارد و این امر بدیهی است و تنها مختص به انسان‌ها نیست.

این تفسیربندی برگرفته از تفسیر راهنماست؛ زیرا در کتب تفسیری شیعه مرزبندی دقیقی برای این دو نظریه یافت نشد؛ اکبر هاشمی رفسنجانی، تفسیر راهنما، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۲۷۵؛ البته در یک دسته‌بندی دیگر من «تبعیضیه» یعنی «من جسدھا» و «ابتدائیه» یعنی «من جنسھا» بیان شده است؛ شهاب‌الدین محمود آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۶، ص ۲۰۰. ۲۰. البته شیخ طوسی قولی را درباره شروع وسوسه از سوی حوا و تشویق آدم به خوردن میوه گزارش می‌کند؛ التبیان، ج ۴، ص ۲۱۷؛ طالقانی نیز نقش «زن» را در انحراف آدم و نفوذ شیطان در وی، برجسته و پر تأثیر می‌داند و حتی این نقش را در مسائل و مشکلات امروزی مطرح می‌کند و تطبیق می‌دهد؛ پرتوی از قرآن، ج ۱، ص ۱۲۹.

۲۱. آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۶، ص ۲۰۲.

۲۲. فیض کاشانی، الصافی فی تفسیر کلام‌الله، ج ۲، ص ۲۵۹؛ حسن مصطفوی، تفسیر روشن، ج ۹، ص ۲۵۰، وی در تفاوت اطاعت و عبادت می‌گوید: «عبادت و عبودیت عبارت است از نهایت تذلل که توأم با اطاعت و فرمانبرداری کامل بوده و خواسته و تمایل خود را نبیند»

۲۳. محمدبن مسعود عیاشی، التفسیر، ج ۲، ص ۱۷۷.

۲۴. محمدبن جریر طبری، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، به کوشش محمود احمد شاکر و احمد محمد شاکر، ج ۱۳، ص ۳۰۷؛ البته مفسران معاصر اهل سنت و ابن کثیر که پیشگام در رد اسرائیلیات است، این روایات را نمی‌پذیرند، نک: ابن کثیر، اسماعیل، تفسیر القرآن العظیم، شرح نگاری محمدحسین شمس‌الدین، ج ۳، ص ۴۷۷؛ احمد مصطفی مراغی، تفسیر مراغی، ج ۳، ص ۴۶۳؛ از میان مفسرین شیعه نیز قمی این روایات را پذیرفته و گزارش می‌کند، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، تصحیح سید طیب جزایری، ج ۱، ص ۲۵۱؛ شیخ طوسی و طبرسی نیز به رغم گزارشی این نظر و رأی بدان توجه و عنایت نداشته‌اند، التبیان،

ج ۵، ص ۵۵ و مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۰۹.

۲۵. حسن مصطفوی، تفسیر روشن، ج ۹، ص ۲۴۷، وی از این شرک با تعبیری مثل «شرک لغوی» و «شرک خفی» یاد می‌کند؛ علی اکبر هاشمی رفسنجانی، تفسیر راهنما، ج ۶، ۳۷۵؛ علامه نیز مشابه همین نظر را گزارش می‌کند که آدم و حوا با سرگرم شدن به تربیت فرزند خود از توجه خالصانه نسبت به خدا بازماندند. وی در ادامه این نظر را چنین نقد می‌کند که در آیات بعدی شرک در پرستش غیر خدا - و نه شرک ظاهری - توبیخ شده است، المیزان، ج ۸، ص ۳۷۶.

۲۶. دو مفسر شیعی این نظر را گزارش می‌کنند؛ علی بن طاهر سید مرتضی، امالی السید المرتضی، تصحیح احمد بن امین شیفتلی، ج ۴، ص ۱۴۳ (مج دوم)؛ شیخ طوسی، التبیان، ج ۵، ص ۵۴.

۲۷. در توجیه انتخاب صالح به معنای سلامت جسمی و نه دینی نظراتی ذکر شده از جمله آن که فرد مؤمن و صالح به خدا شرک نمی‌ورزد و کافر نمی‌شود، سید مرتضی، امالی السید المرتضی، ج ۴، ص ۱۳۹؛ نظر دیگر را علامه بیان می‌کند که معمولاً برای بچه تازه به دنیا آمده آرزو و دعای سلامت جسمانی و بی‌عیب و نقص بودن درخواست می‌شود نه صلاح و درستی در امور دینی، المیزان، ج ۸، ص ۳۷۴.

۲۸. [ای پیامبر] ما تو را [به سِمَتِ] گواه و بشارتگر و هشداردهنده‌ای فرستادیم. تا به خدا و فرستاده‌اش ایمان آورید...

۲۹. سید مرتضی، امالی السید المرتضی، ج ۴، ص ۱۳۷؛ شیخ طوسی، التبیان، ج ۵، ۵۲؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۰۹.

۳۰. برخی نیز معتقدند آیه از ابتدا مختص مشرکین است و حتی خطاب خلقت فقط شامل آنان می‌شود، نک: سید مرتضی، امالی السید المرتضی، ج ۴، ص ۱۴۲.

۳۱. او کسی است که شما را در خشکی و دریا می‌گرداند، تا وقتی که در کشتیها باشید و آنها با بادی خوش، آنان را ببرند و ایشان بدان شاد شوند ...

۳۲. سید مرتضی، امالی السید المرتضی، ج ۴، ص ۱۴۱؛ شیخ طوسی، التبیان، ج ۵، ص ۵۳؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۰۹؛ علامه برعکس این تفسیر را گزارش می‌کند، یعنی ابتدا آیه در خصوص آدم علیه السلام است و سپس بحث عمومی می‌شود، عکس آیه ۲۲ سوره یونس؛ او این نظر را بدین جهت که قرینه قطعی برای آن در آیه یافت نمی‌شود، رد می‌کند، المیزان، ج ۸، ص ۳۰۷۶.

۳۳. طبری، ج ۲، ص ۵۰۹؛ زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاویل فی وجوه التأویل، تصحیح عبدالرزاق المهدی، ج ۲، ص ۱۷۵. البته تقدیر گرفتن عبارتی همانند اولادهما و ذریتهما در دو تفسیر قبلی نیز خواه، ناخواه راه می‌یابد و با تکیه بر چنین تقدیری است که چنان تفسیری ارائه می‌شود.



۳۴. محمد بن علی صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تحقیق حسین اعلمی، ج ۲، ص ۱۷۵.
 ۳۵. زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل، ج ۲، ص ۱۷۶؛ آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۶، ص ۲۰۴؛ محمد متولی شعراوی، تفسیر الشعراوی، ج ۸، ص ۴۵۱۷؛ و نیز نک: ابن عاشور، التحریر و التنویر، ج ۵، ص ۲۱۴، برخی از مفسران شیعه نیز این نظر را گزارش کردند، طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۰۹؛ فیض کاشانی، الصافی فی تفسیر کلام الله، ج ۲۰، ص ۲۵۹.
 ۳۶. نک: محمد حسین طباطبائی، المیزان، ج ۸، ۳۷۴؛ بلاغی، حجة التفاسیر و بلاغ الاکسیر، ج ۲، ص ۶؛ مغنیه، تفسیر الکاشف، ج ۳، ص ۴۳۴؛ قرشی، تفسیر احسن الحدیث، ج ۴، ۶۹؛ فضل الله، من وحی القرآن، ج ۱۰، ص ۲۲۸.

۳۷. سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۱، ص ۵۹ به بعد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

منابع:

۱. آلوسی، شهاب‌الدین محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ ق.
۲. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر و التنویر، قاهره: مطبعه عیسی بابی حلبی، ۱۳۸۴ ق.
۳. ابن کثیر، اسماعیل، تفسیر القرآن العظیم، شرح نگاری محمدحسین شمس‌الدین، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ ق.
۴. اشرفی، عباس، مقایسه قصص قرآن و عهدین، تهران: دستان، ۱۳۸۲.
۵. بلاغی، عبدالحجت، حجة التفاسیر و بلاغ الاکسیر، قم: چاپ حکمت، ۱۳۴۵.
۶. بنت الشاطی، عائشه عبدالرحمن، الاعجاز الیانی للقرآن، [بی‌جا]، دارالمعارف، ۱۴۰۴ ق.
۷. رضایی، مهدی، آفرینش و مرگ در اساطیر، تهران: اساطیر، ۱۳۸۳.
۸. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقویل فی وجوه التأویل، تصحیح عبدالرزاق المهدی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۷ ق.
۹. سید قطب، فی ظلال القرآن، بیروت: دارالشروق، چاپ بیست و چهارم، ۱۴۱۵ ق.
۱۰. سید مرتضی، علی بن طاهر، امالی السیدالمرتضی، تصحیح احمد بن امین شیفتی، قم: مکتبه آیه الله مرعشی، ۱۴۰۳ ق.
۱۱. شعراوی، محمد متولی، تفسیر الشعراوی، قاهره: اخبارالیوم، ۱۴۱۱ ق.
۱۲. شیخ طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تصحیح احمد حبیب قصیر، نجف: مکتبه القصیر، ۱۳۷۹ ق.
۱۳. صدوق، محمد بن علی، عیون اخبارالرضا علیه‌السلام، تحقیق حسین اعلمی، بیروت: مؤسسه اعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴ ق.
۱۴. طالقانی، پرتوی از قرآن، [بی‌جا]: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۵۸.
۱۵. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۹۷ ق.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۳۷۹ ق.
۱۷. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، به کوشش محمود احمد شاکر و احمد محمد شاکر، مصر: دارالمعارف، [بی‌تا].
۱۸. عیاشی، محمد بن مسعود، التفسیر، قم: البعث، ۱۴۲۵ ق / ۱۳۷۸.
۱۹. فضل‌الله، محمدحسین، من وحی القرآن، بیروت: دارالزهراء للطباعه و النشر و التوزیع، چاپ سوم، ۱۴۰۵ ق.
۲۰. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی، الصافی فی تفسیر کلام‌الله، مشهد: دارالمرتضی النشر، [بی‌تا].
۲۱. قرشی، علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، تهران: واحد تحقیقات اسلامی، ۱۳۶۶.
۲۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، تصحیح سید طیب جزایری، قم: دارالکتاب، چاپ

- سوم، ۱۴۰۴ ق.
 ۲۳. کتاب مقدس.
 ۲۴. مراغی، احمد مصطفی، تفسیر مراغی، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ ق.
 ۲۵. مشکور، محمد جواد، فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی و ایرانی، [بی‌جا]: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۷.
 ۲۶. مصطفوی، حسن، تفسیر روشن، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۷۹.
 ۲۷. مغنیه، محمدجواد، تفسیر الکاشف، بیروت: دارالعلم للملایین، چاپ سوم، ۱۹۸۱ م.
 ۲۸. ملاصدرا، محمدین ابراهیم، تفسیرالقرآن الکریم، تحقیق و مقدمه محسن بیدار فرد، تصحیح محمد خواجوی، قم: انتشارات بیدار، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق/ ۱۳۷۲.
 ۲۹. هاشمی رفسنجانی، اکبر، تفسیر راهنما، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵، حوزه علمیه قم.

30. *Encyclopaedia Judaica*, 1996, Jerusalem, Keter Publishing Hous



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی